

آموزش عالی و بهبود محیط کسب و کار؛ مطالعه موردی ایران و چند کشور آسیایی منتخب

سید کمیل طیبی^۱ و زهرا زمانی^{۲*}

چکیده

سرمایه‌گذاری در آموزش عالی که به‌منزله تشکیل سرمایه انسانی است، بهره‌وری منابع تولید و کارایی بنگاههای اقتصادی را افزایش می‌دهد که در نهایت، به رشد اقتصادی منجر می‌شود که چنانچه این رشد پایدار در سطح کلان پایدار باشد، به منزله خلق فرصتهای شغلی جدید، کاهش هزینه‌های مبادله و در نتیجه، بهبود کسب و کار است. در عمل، کاهش در این هزینه‌ها به منزله افزایش کارایی بنگاههای اقتصادی و رشد فعالیتهای مولد آنهاست که محیط کسب و کار را بهبود می‌بخشد. از سوی دیگر، مخارج بر آموزش عالی و دوره‌های آموزشی حین خدمت به‌عنوان سرمایه‌گذاری نیروی انسانی و تشکیل سرمایه انسانی است که معمولاً تولید چنین منابع انسانی به عهده دانشگاههاست. در نتیجه، هرگونه تعامل بین دانشگاه و صنعت به منزله تعمیق نقش آموزش عالی در اقتصاد و از طریق آن کمک به بهبود فضای کسب و کار است. در این مطالعه رابطه علی بین آموزش عالی و محیط کسب و کار در چارچوب یک الگوی تجربی اقتصادسنجی برای کشور ایران و چند کشور منتخب آسیایی (چین، اندونزی، مالزی، فیلیپین، هند، سنگاپور، تایلند و ویتنام) بررسی شد. بدین منظور از رهیافت گرنجری در محیط داده‌های تابلویی رابطه علی بین آموزش عالی و شاخصهای کسب و کار که کارگروه اجرای کسب و کار بانک جهانی در دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ آن را تهیه کرده است، استفاده شد. علاوه بر این، تحلیل رگرسیونی از اثرگذاری شاخص آموزش توأم با سایر عوامل شامل تورم، درآمد سرانه و کارآفرینی صورت گرفت. به‌طور کلی، یافته‌های تجربی حاکی از اثر معنادار آموزش عالی بر بهبود محیط کسب و کار ایران و کشورهای منتخب از نظر آماری بود که بر لزوم تعمیق رابطه آموزشی و پژوهشی بین صنعت و دانشگاه در کشورهای مورد مطالعه دلالت دارد.

کلید واژگان: محیط کسب و کار، آموزش عالی، سرمایه‌انسانی، هزینه مبادله، کشورهای آسیایی منتخب.
طبقه‌بندی JEL: L21, I20

۱. استاد اقتصاد بین‌الملل دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: sk.tayebi@ase.ui.ac.ir

۲. دکترای اقتصاد، پژوهشگر قطب اقتصاد بین‌الملل و پژوهشگر پسادکتری صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور و دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

* نویسنده مسئول: z_zamani85@yahoo.com

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۲۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲۸

مقدمه

نقش آموزش در اقتصاد از سالها پیش مورد توجه اقتصاددانان بوده است. اسمیت (Smith, 1987) آموزش را عامل رشد دانش بشری و تشکیل سرمایه انسانی می‌داند. او بیان می‌کند که سرمایه انسانی به بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه، رشد تولید و شاخصهای توسعه اقتصادی منجر خواهد شد. از اوایل نیمه دوم قرن بیستم به تدریج با ورود مفهوم سرمایه انسانی و آموزش به تحلیلهای اقتصادی، اقتصاد آموزش به مفهومی مستقل در علم اقتصاد تبدیل شده است (Heidari, Dabbag & Sanginabadi, 2011).

چنگ و هسو (Cheng & Hsu, 1997) در مطالعه خود با استفاده از شاخص نسبی، تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهها به نیروی کار را نشان دادند. در کشور توسعه‌یافته‌ای مانند ژاپن سرمایه انسانی عامل رشد اقتصادی است. این و دوکولیس (In & Doucouligos, 1997) رابطه علی بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی بخش خصوصی در این کشور مثبت بوده است. درحقیقت، آموزش به توسعه تواناییهای نیروی کار می‌انجامد و هر چه سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد، فرایند یادگیری مسائل پیچیده فنی و حرفه‌ای برای آنان با سهولت و دقت بیشتری میسر می‌شود و سطح مهارتها و قابلیت‌هایشان را ارتقا می‌بخشد. بر این اساس، از وظایف مهم مجموعه آموزش عالی پرورش نیروی انسانی کارآمد برای اشتغال در بخشهای مختلف و مورد نیاز جامعه است (Sharifzadeh, 2011).

آموزش افراد توانایی آنها را در استفاده از فناوریهای نوین افزایش می‌دهد و سبب افزایش بهره‌وری نیروی کار، تولید و فضای کسب و کار می‌شود. بدین لحاظ، دانشگاه فقط مکانی برای یادگیری یک سری آموزه‌های صرفاً نظری نیست و همچنین مکانی نیست که در آنها فقط پروژه‌های تحقیقاتی در جهت اهداف اقتصادی صنایع انجام شود و علاوه بر آنکه تمام اهداف یادشده را همچنان پیش می‌برد، می‌تواند تربیت افراد و بنگاههایی را که ایجاد کننده کار و کارآفرین هستند، بر عهده بگیرد (Mahnegar & Peykarifar, 2012).

با توجه به اهمیت راهکارهای بهبود محیط کسب و کار و نقش آموزش عالی به‌عنوان عاملی مؤثر در آن، هدف این مطالعه ارزیابی رابطه علی بین آموزش انسانی [به‌عنوان سرمایه انسانی] و محیط کسب و کار در کشورهای منتخب آسیایی (ایران، چین، اندونزی، مالزی، فیلیپین، هند، سنگاپور، تایلند و ویتنام) طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ بود. چنانچه تأثیرگذاری آموزش بر بهتر شدن محیط کسب و کار معنادار باشد، دستاوردی برای ارتباط صنعت و دانشگاه محسوب می‌شود.

مبانی نظری و پیشنهادی

ارتباط بین محیط کسب‌وکار و آموزش عالی. محیط کسب‌وکار شامل نهادها، مقررات و رویه‌های اداری مندرج در محیط فعالیت اقتصادی است و به نوعی هزینه‌های غیرفنی فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کند. هر چه مراحل، هزینه‌ها و زمان اجرای مراحل ثبت شرکت، اخذ مجوز از شهرداری و سایر دستگاه‌های مرتبط برای تأسیس محل فعالیت، دریافت انشعاب برق، استخدام و اخراج کارکنان، ثبت دارایی در سازمان ثبت املاک، اخذ تسهیلات و اعتبارات، حمایت از حقوق سهامداران جزء، پرداخت مالیات، تجارت خارجی، صدور حکم در نظام قضایی و اعلام ورشکستگی و خاتمه بخشیدن به کسب‌وکار کمتر باشد، هزینه‌های شروع و تداوم فعالیت اقتصادی کاهش و احتمال شکل‌گیری کسب‌وکارها افزایش می‌یابد (Ashrafi & Fahimifar, 2011).

بسیاری از مشکلات مربوط به بازار کار با محیط کسب‌وکار نامطلوب، دیوانسالاری و بوروکراسی اداری در قوانین و مقررات و مراحل اجرایی اخذ مجوز شروع به کار و نااطمینانی‌های مستولی بر تقاضای نیروی کار از سوی بنگاه‌های اقتصادی گره خورده است. بی تردید، یکی از چالش‌های بازار کار در کشورهای در حال توسعه محیط بسته، بدون تغییر و آزادسازی نشده قوانین و مقررات ناظر بر این بازار است که تقاضای بازار را نامنعطف و با مشکل مواجه ساخته است. همین موضوع سبب شده است تا کشورها در عرصه رقابت جهانی همه ساله جایگاه قبلی خود را در محیط کسب‌وکار از دست بدهند و با تنزل رتبه مواجه شوند. این در حالی است که می‌توان با رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری از طریق ساماندهی محیط کسب‌وکار در بازارهای مختلف، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری از طریق فراهم ساختن امنیت اقتصادی و سیاسی و ایجاد هماهنگی بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار، وضعیت بازار کار و اشتغال را ساماندهی کرد و آن را بهبود بخشید. در حالی که اگر محیط کسب‌وکار کشوری اصلاح نشود، فشار اجتماعی-سیاسی اشتغالزایی به اعمال سیاست‌های پولی و مالی انبساطی منجر می‌شود که آثار تورمی گریزناپذیری دارد. بدون شک، مراکز آموزش عالی می‌توانند در همه مراحل کسب و کار از منظر تدوین قوانین، تربیت نیروی انسانی، انتقال دانش فنی و تعدیل هزینه‌های مبادله تأثیرگذار باشند.

شواهد موجود در ادبیات مرتبط نشان می‌دهد که افزایش سریع نیروی کار ماهر در کشور چین بعد از فرایند اصلاح آموزش و رشد سریع رخ داده که ناشی از هدفگذاری دولت برای پاسخگویی به کمبود نیروی کار ماهر بوده است. این تغییرات سمت عرضه به دلیل افزایش تقاضا برای نیروی کار با آموزش بالاتر ایجاد شده است که خود به سبب رشد اقتصادی است که در این کشور رخ داده است. جریان تجارت بین‌المللی چین از سال ۱۹۹۲ حدود ۵۰٪ افزایش یافته و این در حالی است که ثبت نام در مقطع دانشگاه حدود ۳۰٪ درصد افزایش یافته است. آموزش نیروی انسانی در کشور چین موجب افزایش بهره‌وری در بخش صادرات شده، هزینه‌های مبادله و تجارت را کاهش داده و سبب افزایش رشد

اقتصادی شده و همچنین کاهش هزینه‌های تجارت موجب افزایش شکل‌گیری سرمایه انسانی در این کشور شده است (Harris, Robertson & Xu, 2010).

بخش مهمی از توسعه اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و سیاسی هر کشور متأثر از پیشرفت‌های علمی و فرهنگی آن جامعه است و به همین دلیل، اهمیت آموزش به‌طور عام و آموزش عالی به‌طور خاص از حدود مرزها و محدوده‌های جغرافیایی فراتر رفته و حتی در بسیاری از موارد سیاست‌های بین‌المللی را تحت‌الشعاع قرار داده است. تحقیقات نشان می‌دهد که در بعضی از کشورهای پیشرفته تعلیم و تربیت دانشگاهی به‌گونه‌ای با نیازهای جامعه هماهنگ شده است که نه تنها نیازهای بازار کار را از نظر تخصصی برطرف می‌کند، بلکه از بیکاری و هدر رفتن توان دانش‌آموختگان نیز جلوگیری به‌عمل می‌آورد. در کشورهای آلمان، ژاپن، سوئد، امریکا و انگلستان برای اشتغال پس از فراغت از تحصیل دانشجویان در طول دوره دانشگاهی کاریابی می‌شود. این کشورها تقریباً از سال ۱۹۵۵ به این نتیجه رسیدند که وجود همسویی هر چه بیشتر بین تحصیل و بازار کار برای افزایش توان و جذب دانش‌آموختگان ضروری است. لذا، پیشرفت کشور بدون اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی عملی نیست و تداوم توسعه کمی صرف دانشگاهها بدون تجدید نظر لازم و درونی در برنامه‌های مربوط امکان ندارد (Aghadavoud, 2010).

در عمل، آموزش عالی از طریق فراهم آوردن نیروهای فرهیخته هزینه جمع‌آوری اطلاعات را کاهش داده است و با کاهش هزینه مبادله محیط کسب‌وکار بهبود می‌یابد و بنابراین، رشد و توسعه اقتصادی با سرعت بیشتری رخ خواهد داد. روشن است چنانچه با کمک آموزش عالی فضای اقتصادی و محیط نهادی بهبود یابد و موجب کاهش زمان و هزینه شاخصهای کسب‌وکار شود و درجه آزادی در شاخصهای آزادی اقتصادی را بالا ببرد، آن‌گاه مبادلات روان‌تر و سریع‌تر انجام می‌گیرد و هزینه مبادله کاهش می‌یابد. در نتیجه، هر قدر میزان شاخصهای اجرای کسب‌وکار کاهش یابد، فضای امن و آزاد اقتصادی فراهم و امکان جذب سرمایه بیشتر می‌شود و به تبع آن هزینه مبادله کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، هزینه‌های مبادله شامل کلیه هزینه‌های آشکار و پنهانی است که در جریان مبادله به‌وجود می‌آید. اهمیت این هزینه‌ها به اندازه‌ای است که نورث معتقد است عملکرد جمع‌آوری اطلاعات برای انجام دادن مبادلات هزینه‌زاست و نیروی انسانی دقیقاً نمی‌داند کدام منابع یا اطلاعات ضروری‌تر هستند یا در اولویت‌بندی کردن اطلاعات دچار مشکل می‌شوند. بنابراین، همان‌طور که بیان شد، جمع‌آوری اطلاعات با هزینه همراه است، اما در صورتی که نیروی انسانی از روابط اجتماعی قوی برخوردار باشد، می‌تواند اطلاعات مورد نیاز را با سهولت و سرعت بیشتر و هزینه کمتر گردآوری کند (McDowell & Voelker, 2008). یکی از مسیرهایی که روابط اجتماعی افراد را تقویت می‌کند، حضور آنها در دانشگاهها و به‌دست آوردن آموزشهای دانشگاهی است (North, 1989, 2000). بدین ترتیب، آموزش عالی می‌تواند عامل کاهش هزینه مبادله باشد که محیط کسب‌وکار هم در نتیجه کاهش این هزینه‌ها بهبود می‌یابد.

نورث (North, 1990) هزینه‌های مبادله را به دو بخش بازاری و غیر بازاری تقسیم می‌کند که به هزینه‌های جست‌وجوی اطلاعات، هزینه انجام دادن تعهدات با توجه به قوانین و مقررات مانند هزینه‌های افتتاح و اخذ مجوز هزینه‌های بازاری می‌گویند و به هزینه‌هایی که از بازار عبور نمی‌کنند و مشکل اندازه‌گیری دارند و با مسائل خاصی چون انتشار آلودگی و رعایت نکردن حقوق مالکیت مرتبط هستند، هزینه‌های غیربازاری گویند.

فورابان و رشت (Furubotn & Richter, 2000) این هزینه‌ها را هزینه جست‌وجوی اطلاعات، چانه‌زنی، هزینه اجرای سیاست و نظارت تلقی می‌کنند و تأکید دارند که هزینه‌های مبادله همراه با فرایند مبادله افزایش می‌یابد. بنابراین، هزینه‌هایی را که طرفین قراردادها برای کسب اطلاعات یا به دلیل اجرا نشدن مفاد قرارداد از سوی طرفین مقابل یا به منظور نظارت و کنترل اعمال قانونی قرارداد متحمل می‌شوند، هزینه مبادله می‌گویند (Renani, 1997). از این فراتر، هزینه مبادله وقتی شکل می‌گیرد که بنگاه با نبود اطلاعات و با اطلاعات نامتقارن در سازمان خود مواجه می‌شود.

پیدایش دانشگاهها با هدف کسب دانش منشأ بروز تحولات بسیاری در جوامع انسانی از جمله ارائه اطلاعات علمی بوده است. آموزش عالی با تخصصی شدن و تربیت نخبگان جامعه در شاخه‌های مختلف دانش بشری و تولید دانش فنی همراه بوده است. با گسترش دانشگاهها نه تنها نیروی انسانی مورد نیاز جامعه تربیت شده‌اند، بلکه زیرساختهای فکری و فرهنگی جامعه برای برخورداری از روشها و فناوریهای نوین نیز فراهم شده است. از این نظر، آموزش عالی را می‌توان مؤثرترین روش سرمایه‌گذاری در منابع انسانی دانست که با آموزش، دانش‌افزایی و ارتقای نگرش و مهارتها، زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی لازم را برای بهبود محیط کسب‌وکار ایجاد می‌کند.

در حقیقت، آموزش عالی به‌عنوان بخشی از فرایند کلی آموزش از راه ایجاد مهارت و تخصص در افراد و بهبود قوه تشخیص آنها، موجب ارتقای سطح بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود. به شکلی دقیق‌تر می‌توان درباره اثرهای آموزش عالی در سه مقوله اثر کاری، اثر شناختی و اثر نوآوری بحث کرد. اثر کاری موجب می‌شود که نیروی انسانی بتواند با کمیت و کیفیت بیشتری وظایفش را انجام دهد. اثر شناختی اتخاذ و انجام دادن یک تصمیم است و اثر نوآوری از طریق آموزش عالی و تولید اطلاعات نوین فراهم می‌شود. نوآوران جهان امروز غالباً پرورش یافته محیطهای دانشگاهی هستند. جهان امروز به آموزش عالی و ایجاد سرمایه انسانی اهمیت فراوان و بسزایی می‌دهد. حجم سرمایه‌گذاری در آموزش عالی رشد چشمگیری دارد و به سرمایه انسانی بیش از سرمایه فیزیکی اهمیت داده می‌شود. این احساس منطقی برای تحلیلگران به‌وجود آمده است که سرمایه‌گذاری در منابع انسانی به نسبت از بازدهی بیشتری برخوردار است و گذشته از آن، عمر طولانی‌تر و استهلاک ناچیز دارد (Khorshidi, 2004). از نظر کیم (Kim, 2000) یکی از عوامل موفقیت کشور کره جنوبی انتخاب درست سیاست آموزشی متناسب با سطح صنعتی شدن بوده است. پس در قالب چنین سیاستهایی بوده که آموزشهای پایه‌ای و کلاسیک

خیلی زود و با سرعتی بالا جهانی شده و توانسته است نیروی کار ماهر و با کیفیت را برای کسب و کار تأمین کند. (Chaharband & Momeni, 2011)

هر چند برقراری ارتباط بین آموزش عالی و صنعت مزایای فراوانی دارد، ممکن است این ارتباط با موانع بسیاری مواجه شود که از آن جمله می‌توان به نبود سیاستگذاری مناسب، سیاستها و روشهای نادرست آموزشی، ضعف یا نبود نهادهای خدمات فناوری، فضای غیررقابتهی و موانع انگیزشی اشاره کرد. همچنین بی‌اعتمادی صنعت به مراکز تحقیقاتی و اصلاح ساختاری بخش صنعت نیز از جمله موانع ارتباط دانشگاه و صنعت است (Gholipor & Aghabozorgi, 2003). در عمل، این فرضیه که ارتباط بین صنعت و دانشگاه به‌منزله اثرگذاری آموزش عالی بر بهبود محیط کسب و کار است، فرضیه‌ای است که در بخشهای بعدی اثبات شده است.

بر اساس مطالعات آدامز^۳ و مانسفیلد^۴ پژوهش در توسعه و گسترش صنعت نقش تعیین‌کننده و کلیدی دارد. مطالعات جاف^۵ و فلدمن^۶ نشان می‌دهد که منافع سرریز دانش یا به بیان دیگر، ارزش افزوده به‌دست آمده از دانش از منابع مهم رشد بلندمدت اقتصادی است و این منافع اضافی در اثر نیروهای درونزا تغییر می‌یابد. همچنین بر اساس نظریه‌های جدید رشد درونزای تحقیق و توسعه عامل کلیدی محسوب می‌شود و تأثیرات دو طرفه دارد: یکی اینکه به‌طور مستقیم به نوآوری منجر و موجب بهبود کیفی کالا و بهره‌وری می‌شود و دیگر آن که به منافع اضافی دیگر شرکتها نفوذ پیدا می‌کند و بازدهی صعودی نسبت به مقیاس و رشد بلندمدت صنعتی و اقتصادی ایجاد می‌کند. بنابراین، تحقیقات انجام شده گویای این حقیقت است که اگر یافته‌های پژوهشهای انجام شده در دانشگاه به بخش صنعت نفوذ پیدا کند، موجبات رشد درونزا و توسعه صنعتی را فراهم می‌سازد (Azhdari, 2005).

بارو و لی (Barro & Lee, 2000, 2010) به رابطه مثبت آموزش در سطوح مختلف، ستاده و رشد اقتصادی اشاره کرده‌اند. مدل کیم و کیم (Kim & Kim, 2000) که برای ارائه رشد سریع کشورهای شرق آسیا طراحی شده است، بین آموزش، تجارت و رشد اقتصادی، که از طریق قابلیت تحرک نیروی کار که از مسیر تحصیلات قابل حصول است، همبستگی مثبت را نشان می‌دهد. آموزش عمومی تحرک بین بخشی کارگران را افزایش می‌دهد و این امکان را فراهم می‌سازد که آنها به بخشها با بهره‌وری بالاتر و نرخهای بالاتر پیشرفت فناوری منتقل شوند. بنابراین، نرخ رشد بلندمدت به پیشرفت فناوری هر بخش با بالاترین نرخ رشد اقتصادی بستگی دارد.

حیدری و همکاران (Heidari et al., 2011) به‌منظور بررسی و آزمون نقش آموزش عالی بر رشد اقتصادی، با استفاده از داده‌های مربوط به شاغلان دارای تحصیلات دانشگاهی طی سالهای

3. Adams, 1990

4. Mansfield, 1980, 1991

5. Jaff, 1989

6. Feldman, 1991

۱۳۸۶-۱۳۵۰ نشان دادند که در بلندمدت رابطه تعادلی میان آموزش عالی و رشد اقتصادی وجود دارد. نتایج مطالعه بیانگر تأثیرگذاری آموزش عالی در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی بوده است. نتایج مطالعه جعفری و احمدی (Jafari & Amineh, 2010) نشان داد که آموزش عالی از طریق ده مؤلفه شامل کارآفرینی و نوآوری‌های فناورانه، تشکیل و تقویت سرمایه فکری و انسانی، همکاری‌های بین دانشگاه و صنعت، مدیریت دانش، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک، زیرساخت‌های سرمایه‌ای، زیربنایی و توسعه‌ای، مدیریت اطلاعات، زیرساخت الکترونیکی، تحول فکری، نهادی و ساختاری و نظام حقوقی و قانونی، حامی و مشوق دارایی‌های فکری در اقتصاد دانش بنیان بوده است.

بلوندل و همکاران (Blundell, Dearden, Meghir & Sianesi, 1999) شواهدی در زمینه بازده آموزش برای افراد، بنگاهها و اقتصاد گردآوری کرده‌اند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که بازده اقتصادی مثبت برای آموزش افراد وجود دارد، اما میزان بازده بر اساس نوع و سطح آموزش متفاوت است و سطوح متفاوت آموزش سطوح مختلف بازده را ایجاد می‌کند.

چنگ و هسو (Cheng & Hsu, 1997) درباره رابطه علی سرمایه انسانی و رشد اقتصادی برای کشور ژاپن بررسی کردند. نتیجه مطالعه آنها نشان داد که در کشور ژاپن سرمایه انسانی عامل رشد اقتصادی و رشد اقتصادی عامل رشد سرمایه انسانی است؛ به عبارت دیگر، رابطه دو سویه بین این دو متغیر در این کشور وجود دارد و سرمایه انسانی و رشد اقتصادی همدیگر را تقویت می‌کنند. در این مطالعه از شاخص نسبی تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهها به نیروی کار استفاده شده است. این و دوکولیس (In & Doucouligos, 1997) رابطه علی بین سرمایه انسانی و رشد را برای کشور آمریکا بررسی کردند و نتایج مطالعه آنها نشان داد که اثر سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بخش خصوصی آمریکا مثبت بوده است.

طیبی و همکاران (Tayebi, Zamani, Sarmadi & Razavi, 2013) در باره اثرهای هزینه مبادله و بهبود فضای کسب و کار بر حجم تجارت خارجی بنگاههای کوچک و متوسط در چند کشور منتخب آسیایی (چین، اندونزی، هند، مالزی، فیلیپین، سنگاپور، تایلند و ویتنام) طی سالهای ۲۰۰۴-۲۰۱۲ بررسی کردند؛ نتیجه مطالعه آنها نشان داد که اثر تعدیل هزینه‌های مبادله بنگاههای کوچک و متوسط در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران از طریق ایجاد قراردادهای مطلوب و نظارت بهینه بر اجرای آنها و افزایش رقابت‌پذیری در این بنگاهها که عمدتاً بر پایه نیروی انسانی بهره‌ور قرار دارد، به بهبود فضای کسب و کار و در نتیجه، عملکرد مناسب اقتصادی آنها به‌ویژه خصوص در بخش تجارت خارجی منجر می‌شود.

بختیاری و شایسته (Bakhtiari & Shayesteh, 2012) در مطالعه‌ای در خصوص تأثیر بهبود فضای کسب‌وکار بر رشد اقتصادی ۲۵ کشور منتخب گروه درآمدی مشابه ایران طی دوره ۹۰-۱۳۸۴ بررسی کردند؛ یافته‌های آنها نشان داد که بهبود فضای کسب و کار رابطه مثبت و معنادار با رشد اقتصادی در کشورهای مورد بررسی داشته است. همچنین نتایج مطالعه حاکی از عملکرد ضعیف‌تر کشور

ایران در زمینه شاخصهای بهبود محیط کسب و کار و تفاوت معنادار آن با میانگین سایر کشورهای مورد بررسی است.

طیبی و همکاران (Tayebi, Zamani & Karimi, 2015) در باره نقش محیط کسب و کار و سایر عوامل اقتصادی مانند آموزش عالی، نرخ رشد سرمایه و نوسان نرخ ارز در رشد بخشهای اقتصادی ایران را در دوره پس از لغو تحریمهای اقتصادی و بر اساس سه سناریوی شاخصهای بهبود کسب و کار بررسی کردند. نتایج برآوردها با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا (GMM) طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ حاکی از آن است که بهبود محیط کسب و کار و رشد سرمایه‌های داخلی و خارجی و ثبات بازار ارز بر رشد بخشهای اقتصاد تأثیر مثبت و معنادار دارد. مطابق با نتایج به دست آمده از این مطالعه رشد سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی بخشهای اقتصادی اثر مثبت و معنادار دارد. در حقیقت، هزینه‌های آموزش عالی نوعی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی به حساب می‌آید و سبب افزایش مهارتها و تواناییهای افراد در این بخش می‌شود. آن دسته از نیروی کاری که از سطح دانش و آموزش بیشتری برخوردار باشد، قادر است در چرخه تولید، پویایی و تحولات فناوری ایجاد کند، سبب افزایش ظرفیت تولید و رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر شود.

احمدپور داریانی و همکاران (Ahmadpour Daryani, Davari & Ramezanpoor, 2010) در باره محیط کسب و کار به عنوان پیش‌نیاز توسعه کارآفرینی از دیدگاه کارشناسان داخلی بررسی کردند. در این پژوهش بعد از بررسی الگوهای گوناگون محیط کسب و کار، الگوی سهولت کسب و کار بانک جهانی به عنوان الگوی مینا انتخاب شد. آنها در چارچوب پژوهشی توصیفی - پیمایشی دیدگاه ۱۰۱ کارشناس را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که محیط کسب و کار کشور از نظر کارشناسان داخلی نامساعد و نامطلوب است.

بررسی مطالعات نشان می‌دهد که در زمینه آموزش عالی و سرمایه انسانی و نقش آنها در رشد اقتصادی مطالعاتی صورت گرفته و در مطالعاتی نیز به محیط کسب و کار و عوامل اثرگذار بر آن پرداخته شده است، ولی کمتر مطالعه‌ای به نقش آموزش عالی در محیط کسب و کار اشاره دارد. با توجه به اهمیت بهبود محیط کسب و کار و رابطه آن با رشد و توسعه اقتصادی، اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی، در این مطالعه در خصوص نقش آموزش عالی در بهبود محیط کسب و کار بررسی و فرضیه تأثیرگذاری آموزش عالی (تشکیل سرمایه انسانی) بر بهبود محیط کسب و کار آزمون شد.

روش پژوهش

ارزیابی رابطه علی بین شاخصهای آموزش و کسب و کار. در بخشهای قبل به تأثیرگذاری آموزش عالی بر محیط کسب و کار اشاره و روشهای مختلف نظری و تجربی در ادبیات مربوط به آن ارائه شد. با این حال، این امکان هست که رابطه علی دو طرفه بین آنها وجود داشته باشد؛ به عبارتی، این سؤال مطرح

می‌شود که آیا آموزش عالی موجب بهبود محیط کسب و کار می‌شود یا برعکس بهبود محیط کسب و کار شرایط را برای نرخ بالاتری از آموزش عالی در جامعه فراهم می‌سازد یا اینکه هر دو علت یکدیگرند؟ با این حال، رویکرد این مطالعه بر بهبود محیط کسب و کار به علت سطح بالاتری از آموزش عالی در نظام اقتصادی و اجتماعی بود.

برای آزمون علی بین متغیرهای اقتصادی و غیراقتصادی از آزمون علیت گرانجر استفاده شد. در واقع، اگر مقادیر گذشته سری زمانی Y به طور معنادار بتواند مقادیر X_{t+1} را پیش‌بینی کند، آن‌گاه متغیر Y علت گرانجری X است و برعکس؛ به عبارت دیگر، این آزمون به نوعی آزمون خودرگرسیون برداری دو متغیره است (Mehrgan, Ezzati & Asghar Pour, 2006):

$$y_t = \alpha_0 + \sum_{i=1}^m \alpha_i x_{t-i} + \sum_{j=1}^m \beta_j x_{t-j} + u_t \quad (1)$$

$$x_t = \sigma_0 + \sum_{i=1}^m \sigma_i x_{t-i} + \sum_{j=1}^m \delta_j x_{t-j} + v_t \quad (2)$$

به طوری که در آن x_t و y_t متغیرهای سری زمانی و u_t و v_t جملات اختلال دو رگرسیون هستند. زمان t وقفه را نشان می‌دهد. در این آزمون فرضیه H_0 عبارت است از: $\beta_j = \delta_j = 0$ که نشان‌دهنده نبود رابطه علی بین متغیرهاست. در این مطالعه هدف آزمون رابطه علی بین متغیر آموزش عالی و شاخصهای محیط کسب و کار ایران و چند کشور منتخب طی سالهای ۲۰۱۴-۲۰۰۴ بود. به دلیل اینکه داده‌های این مطالعه از نوع داده‌های تابلویی^۷ بود، معادله زیر برآورد و فرضیه صفر مبتنی بر نبود رابطه علی بین متغیرها آزمون شد. در اینجا رابطه تابعی به صورت $y_t = f(x_t)$ است که در آن y محیط کسب و کار و x آموزش عالی را نشان می‌دهد:

$$y_{i,t} = \alpha_i + \sum_{k=1}^k \gamma_i^{(k)} y_{i,t-k} + \sum_{k=1}^k \beta_i^{(k)} x_{i,t-k} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$$

که در آن $\beta_i = (\beta_i^{(1)}, \dots, \beta_i^{(k)})$ و $k \in N$ و k طول وقفه را نشان می‌دهد. همچنین $H_0 : \beta_i = 0 \forall i = 1, \dots, N$ است (Hurlin, 2007).

یافته‌ها

با استفاده از داده‌های کشورهای آسیایی منتخب شامل ایران، چین، اندونزی، مالزی، فیلیپین، هند، سنگاپور، تایلند و ویتنام طی سالهای ۲۰۱۴-۲۰۰۴ آزمون علیت بین آموزش عالی و شاخصهای

کسب‌وکار انجام شد. بر این اساس، داده‌های آموزش عالی مترتب بر ثبت نام آموزش سطح سوم (آموزش عالی) هر کشور در هر سال است. داده‌های اجزای تشکیل دهنده محیط کسب‌وکار هر کشور شامل شروع یک تجارت، اخذ مجوزهای لازم، دسترسی به الکتریسته، ثبت داراییها، اخذ تسهیلات و اعتبارات، حمایت از سرمایه‌گذاران، پرداخت مالیات، تجارت فرامرزی، الزام‌آور بودن قراردادهای و خاتمه بخشیدن به کسب‌وکار بوده است (جدول ۱). نتایج مربوط به آزمون علیت آموزش عالی و محیط کسب‌وکار در جدولهای ۱ و ۲ خلاصه شده است.

جدول ۱- نتایج آزمون علیت از آموزش به کسب و کار کشورهای آسیایی منتخب طی سالهای ۲۰۰۴-۲۰۱۴

| Prob > chi2 | chi2(1) | شاخص کسب و کار |
|-------------|---------|---------------------------|
| ۰/۰۰۰۱ | ۱۵/۱۸ | شروع یک تجارت |
| ۰/۰۰۰۰ | ۱۹/۰۶ | اخذ مجوزهای لازم |
| ۰/۰۰۰۱ | ۱۴/۴۴ | دسترسی به الکتریسته |
| ۰/۱۸۰۹ | ۱/۷۹ | ثبت داراییها |
| ۰/۰۳۳۲ | ۴/۵۴ | اخذ تسهیلات و اعتبارات |
| ۰/۰۰۰۰ | ۴۰/۳۵ | حمایت از سرمایه‌گذاران |
| ۰/۰۰۰۰ | ۳۰/۷۹ | پرداخت مالیات |
| ۰/۰۰۱۱ | ۱۰/۶۹ | تجارت فرامرزی |
| ۰/۲۴۳۳ | ۱/۳۶ | الزام‌آور بودن قراردادهای |
| ۰/۳۳۱۳ | ۰/۹۴ | خاتمه بخشیدن به کسب و کار |

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج گزارش شده در جدول ۱ نشان می‌دهد که رابطه علیت از آموزش به سمت شاخصهای کسب‌وکار، به استثنای ثبت دارایی، اجرای قراردادهای و انحلال فعالیت، وجود دارد. این رابطه نشان می‌دهد که می‌توان با ارتقای آموزش محیط کسب‌وکار را بهبود بخشید و شرایط افزایش تولید، رشد اقتصادی و اشتغال نیروی کار را فراهم ساخت، زیرا با هر افزایش در سطوح آموزش عالی شرایط بهتری برای توسعه روابط تجاری، کارآمدی در نظام مالیاتی، استفاده بهینه از انرژی و رونق سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود. نتایج ارائه شده در جدول ۲ هم گویای این واقعیت است که رابطه علیت از بهبود کسب‌وکار به سمت آموزش عالی وجود دارد؛ یعنی بهبود محیط کسب‌وکار موجب ارتقای سطح آموزش نیروی انسانی می‌شود. البته، این نتیجه فقط برای شاخصهای اخذ اعتبار، الزام اجرای قراردادهای و انحلال فعالیت موضوعیت ندارد. در عمل وقتی محیط کسب‌وکار بهبود می‌یابد، به منزله ارتقای سطح زندگی شهروندان و استفاده از امکانات آموزشی بیشتر خواهد بود.

جدول ۲- نتایج آزمون علیت از کسب و کار به آموزش کشورهای آسیایی منتخب طی سالهای ۲۰۱۴-۲۰۰۴

| Prob > chi2 | chi2(1) | شاخص کسب و کار |
|-------------|---------|---------------------------|
| ۰/۰۰۰۰ | ۲۰/۵۱ | شروع یک تجارت |
| ۰/۰۰۵۰ | ۷/۸۸ | اخذ مجوزهای لازم |
| ۰/۰۰۲۲ | ۹/۳۸ | دسترسی به الکتریسته |
| ۰/۰۰۰۰ | ۲۸/۲۵ | ثبت داراییها |
| ۰/۰۰۸۵۱ | ۲/۹۶ | اخذ تسهیلات و اعتبارات |
| ۰/۰۰۱۱ | ۱۰/۷۱ | حمایت از سرمایه‌گذاران |
| ۰/۰۰۰۰ | ۱۹/۲۶ | پرداخت مالیات |
| ۰/۰۱۸۲ | ۵/۵۸ | تجارت فرامرزی |
| ۰/۶۳۵۲ | ۰/۲۳ | الزام آور بودن قراردادهای |
| ۰/۲۳۹۶ | ۱/۴۴ | خاتمه بخشیدن به کسب و کار |

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به این نتایج می‌توان گفت که بین آموزش عالی و بهبود محیط کسب و کار رابطه علی دوجانبه وجود دارد؛ یعنی هر دو عامل یکدیگر را تقویت می‌کنند. بنابراین، فراهم آوردن شرایطی که رابطه این دو عامل را تقویت کند، اهمیت ویژه‌ای دارد. بهبود رابطه آموزش عالی و صنعت می‌تواند مسیر رشد و توسعه کشورها را سرعت ببخشد یا در صورتی که کشورها در دام رکود گرفتار باشند، این رابطه می‌تواند مسیر رهایی از این دام را فراهم سازد.

در کشور ایران به دلیل وابستگی شدید دولت به منابع درآمدی نفتی و ذخایر زیرزمینی و وجود یارانه‌های پنهان و آشکار فراوان و نبود فضای رقابتی در دانشگاه، صنعت و سایر بخشهای اقتصاد کشور و به خصوص نبود تعامل بهینه بین سه نهاد دولت، دانشگاه و صنعت امری بدیهی است، زیرا منافع این سه نهاد به صورت برونزا و خارج از سیستم تأمین می‌شود، به طوری که دولت از منابع نفتی ارتزاق می‌کند، دانشگاه از منابع عمومی دولت و صنعت نیز از بودجه دولت و یارانه‌های دولتی برخوردار است. بنابراین، این دو نهاد هر یک مستقل و جداگانه مسیر خود را طی می‌کنند و در واقع، منافع آنها به همدیگر گره نخورده است و از طرفی، انگیزه‌ای برای برقراری تعامل وجود ندارد. پس مشکل نبود تعامل بین دانشگاه و صنعت مشکل بنیانی است که به ساختار اقتصاد کشور برمی‌گردد. این به معنای وجود نداشتن دیگر مشکلات نیست، بلکه مشکلات عدیده‌ای در نبود ارتباط منسجم و سازمان یافته بین دو نهاد دانشگاه و صنعت وجود دارند که مشکل اصلی و ساختاری در تعامل متقابل این دو نهاد را تشدید می‌کنند. لذا، فراهم آوردن راهکارهایی برای بهبود ارتباط صنعت و دانشگاه گامی در جهت بهبود محیط کسب و کار و حل مشکلات اقتصادی است. بنابراین، ارتباط دایم و مؤثر صنعت با دانشگاه مانند برگزاری دوره‌های

کوتاه‌مدت و بلندمدت آموزشی و پژوهشی توسط دانشگاه می‌تواند به ارتقای بهره‌وری نیروی کار در صنعت کمک کند.

ارزیابی رابطه علی بین شاخص کسب و کار و سایر متغیرهای تأثیرگذار. از آنجا که درآمد سرانه شاخص بهبود اقتصادی در جامعه است، هر افزایشی در آن موجب بهبود محیط کسب‌وکار می‌شود و در مقابل، پدیده‌ای مانند تورم به تخریب محیط کسب‌وکار می‌انجامد و کنترل آن عاملی برای ایجاد تحرک در محیط کسب‌وکار خواهد بود. همچنین شناخت فرصت‌های خلاقانه در گرو رشد فعالیت کارآفرینانه است که باز علتی برای بهبود محیط کسب و کار است.

در جدولهای ۳، ۴ و ۵ نتایج مربوط به آزمون روابط علی بین متغیرهای درآمد سرانه (YC_{it})، کارآفرینی (ENT_{it})، تورم (INF_{it}) و شاخصهای کسب‌وکار (BUS_{it}) ارائه شده است. در جدول ۳ رابطه علی از درآمد سرانه به شاخصهای کسب‌وکار، به استثنای دسترسی به الکتریسته، پرداخت مالیات و خاتمه بخشیدن به کسب‌وکار گزارش شده است که در آن محیط کسب‌وکار به واسطه افزایش درآمد سرانه در کشورهای تحت مطالعه بهبود می‌یابد. افزایش درآمد سرانه واقعی شهروندان به منزله ارتقای قدرت خرید آنان در مبادلات داخلی و خارجی و دسترسی به منابع تولید است که از اجزای تشکیل‌دهنده محیط کسب‌وکار به‌شمار می‌رود.

جدول ۳- نتایج آزمون علیت از درآمد سرانه به کسب و کار کشورهای آسیایی منتخب طی

سالهای ۲۰۰۴-۲۰۱۴

| Prob > chi2 | chi2(1) | شاخص کسب و کار |
|-------------|---------|---------------------------|
| ۰/۰۲۵۸ | ۵/۳۰ | شروع یک تجارت |
| ۰/۰۰۰ | ۱۸/۸۵ | اخذ مجوزهای لازم |
| ۰/۶۱۱۳ | ۰/۲۶ | دسترسی به الکتریسته |
| ۰/۰۳۴۲ | ۴/۶۳ | ثبت داراییها |
| ۰/۰۳۹۰ | ۸/۰۳ | اخذ تسهیلات و اعتبارات |
| ۰/۰۲۶۰ | ۴/۷۰ | حمایت از سرمایه‌گذاران |
| ۰/۳۷۱۷ | ۰/۰۸۰ | پرداخت مالیات |
| ۰/۰۱۴۸ | ۲/۴۹ | تجارت فرامرزی |
| ۰/۰۴۷۳ | ۲/۹۲ | الزام‌آور بودن قراردادهای |
| ۰/۳۵۵۹ | ۰/۸۵ | خاتمه بخشیدن به کسب و کار |

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول ۴ نشان داده شده است که رابطه علی از تورم به کسب‌وکار، به استثنای دسترسی به الکتریسته، ثبت داراییها، الزام‌آور بودن قراردادهای و خاتمه بخشیدن به کسب‌وکار، در کشورهای منتخب برقرار است. در واقع، تورم عاملی است که موجب تخریب محیط کسب‌وکار می‌شود، زیرا در تخصیص

فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۳، شماره ۱، ۱۳۹۶ ۱۰۷

منابع انحراف ایجاد می‌کند، شروع یک تجارت را به تعویق می‌اندازد و موجب گریز مالیاتی و نبود التزام به مفاد قراردادها در شرکتها می‌شود. تورم نه تنها سودآوری سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، بلکه انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را برای ارتقای ظرفیت تولید کم می‌کند.

جدول ۴- نتایج آزمون علیت از تورم به کسب و کار کشورهای آسیایی منتخب
سالهای ۲۰۱۴-۲۰۰۴

| Prob > chi2 | chi2(1) | شاخص کسب و کار |
|-------------|---------|---------------------------|
| ۰/۰۵۴۶ | ۱/۹۲ | شروع یک تجارت |
| ۰/۰۲۵۶ | ۲/۰۵ | اخذ مجوزهای لازم |
| ۰/۵۱۴۸ | -/۴۲ | دسترسی به الکتریسته |
| ۰/۲۵۴۴ | ۱/۳۰ | ثبت داراییها |
| ۰/۰۰۰۱ | ۶/۱۷ | اخذ تسهیلات و اعتبارات |
| ۰/۰۱۴۷ | ۲/۱۰ | حمایت از سرمایه‌گذاران |
| ۰/۰۱۱۸ | ۲/۴۳ | پرداخت مالیات |
| ۰/۰۴۷۹ | ۳/۰۷ | تجارت فرامرزی |
| ۰/۸۶۲۰ | -/۰۳ | الزام آور بودن قراردادها |
| ۰/۸۵۹۵ | -/۰۳ | خاتمه بخشیدن به کسب و کار |

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق با جدول ۵، رابطه علی از کارآفرینی به شاخصهای کسب‌وکار، به استثنای اخذ مجوزهای لازم، دسترسی به الکتریسته، پرداخت مالیات و الزام آور بودن قراردادها، وجود دارد. بر این اساس، رشد کارآفرینی در کشورهای تحت مطالعه دلیلی بر بهبود محیط کسب‌وکار است؛ به طوری که موجب رونق در تجارت، کارآمدی در تسهیلات و اعتبارات و سرمایه‌گذاری پایدار در فعالیتهای مختلف اقتصادی می‌شود. در حقیقت، توسعه کارآفرینی به‌مثابه شروع یک تجارت است که در آن فرصتهای شغلی جدید به وجود می‌آید و روند اخذ تسهیلات و اعتبارات برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ای مولد سرعت می‌گیرد.

جدول ۵- نتایج آزمون علیت از کارآفرینی به کسب و کار کشورهای آسیایی منتخب طی
سالهای ۲۰۱۴-۲۰۰۴

| Prob > chi2 | chi2(1) | شاخص کسب و کار |
|-------------|---------|---------------------------|
| ۰/۰۴۵ | ۳/۷۰ | شروع یک تجارت |
| ۰/۶۲۳۷ | ۰/۲۴ | اخذ مجوزهای لازم |
| ۰/۵۶۳۴ | ۰/۳۳ | دسترسی به الکتریسته |
| ۰/۰۰۳۰ | ۸/۸۳ | ثبت داراییها |
| ۰/۰۳۳۲ | ۴/۵۴ | اخذ تسهیلات و اعتبارات |
| ۰/۰۳۵ | ۳/۶۴ | حمایت از سرمایه‌گذاران |
| ۰/۷۷۰۸ | -/۰۸ | پرداخت مالیات |
| ۰/۰۱۷۵ | ۳/۲۵ | تجارت فرامرزی |
| ۰/۹۳۸۸ | -/۰۱ | الزام آور بودن قراردادها |
| ۰/۰۱۵۸ | ۳/۷۸ | خاتمه بخشیدن به کسب و کار |

منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل رگرسیونی. با توجه به یافته‌های قسمت قبل و استناد به روابط علی که بین آموزش عالی، درآمد سرانه، توسعه کارآفرینی و تورم وجود دارد، اثرهای متغیرهای توضیحی در قالب الگوی اقتصادسنجی بر پایه رهیافت داده‌های تابلویی و برای کشورهای آسیایی منتخب در دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ بررسی شد:

$$BUS_{it} = f(H_{it}, YC_{it}, INF_{it}, ENT_{it}) \quad (۴)$$

که در آن انتظار می‌رود سرمایه انسانی یا آموزش (H_{it})، درآمد سرانه (YC_{it}) و کارآفرینی (ENT_{it}) بر میانگین شاخصهای کسب و کار (BUS_{it}) اثر مثبت داشته باشند، در حالی که تورم (INF_{it}) بر آن اثر منفی دارد و محیط کسب و کار را محدود می‌سازد. در این معادله اندیس i به کشورها به‌عنوان مقطع اشاره دارد و اندیس t نیز مشاهده مربوط به هر متغیر را در هر زمان بر اساس دوره مورد نظر نشان می‌دهد. الگوی پارامتری میانگین شاخصهای کسب و کار بر حسب یک تابع خطی به فرم زیر تعریف می‌شود تا بتوان آن را از طریق یکی از روشهای اقتصادسنجی داده‌های تابلویی برآورد کرد:

$$BUS_{it} = a_0 + a_i + a_1 H_{it} + a_2 YC_{it} + a_3 INF_{it} + a_4 ENT_{it} + u_{it} \quad (۵)$$

که در آن a_0 ، a_i و u_{it} به ترتیب به عرض از مبدأ، اثرهای انفرادی (اثرهای ثابت یا اثرهای تصادفی) و جزء اختلال معادله اشاره دارند. در جدول ۶ نتایج برآورد نهایی شده الگوی مذکور با استفاده از داده‌های مقطعی کشورهای منتخب و در دوره یادشده گزارش و براساس روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) در محیط داده‌های تابلویی نتیجه شده است. این روش مشکل واریانس ناهمسانی اجزای اختلال را با استناد به آماره LR برطرف می‌سازد.

جدول ۶- نتایج برآوردی مدل کسب و کار کشورهای آسیایی منتخب طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴

| متغیر | ضرایب | Z | P> z |
|-----------------------|-------|---------------------|-------|
| H_{it} | ۵/۵۴ | ۷/۴۴ | ۰/۰۰۰ |
| YC_{it} | ۳/۶۷ | ۶/۴۰ | ۰/۰۰۰ |
| INF_{it} | -۸/۳۴ | -۲/۲۸ | ۰/۰۲۳ |
| ENT_{it} | ۳/۱۳ | ۳/۸۶ | ۰/۰۰۰ |
| CONS | ۸/۲۹ | ۵/۰۴ | ۰/۰۰۰ |
| Wald chi2(4) = ۱۲۹/۳۳ | | Prob. > chi = ۰/۰۰۰ | |
| LR chi2(8) = ۴۲/۰۲ | | Prob. > chi = ۰/۰۰۰ | |
| F(8, 10) = ۴۴/۲۷ | | Prob. > chi = ۰/۰۰۰ | |

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق با نتایج برآوردی ضرایب متغیرهای تأثیرگذار بر بهبود محیط کسب‌وکار که در جدول ۶ گزارش شده است، نرخ مثبت نام دوره‌های آموزش عالی (سرمایه انسانی)، درآمد سرانه و شاخص کارآفرینی بر میانگین شاخصهای کسب‌وکار در کشورهای منتخب اثر مثبت و معنادار دارند، در حالی که تورم اثر منفی و به لحاظ آماری معنادار بر آن دارد. در مقایسه و بر حسب ضرایب برآورد شده، تورم بیشترین تأثیر منفی را بر محیط کسب‌وکار ایجاد کرده است، حال آنکه در بین عواملی که موجب بهبود محیط کسب‌وکار می‌شوند، مخارج آموزش عالی به‌عنوان تشکیل سرمایه انسانی دارای بالاترین تأثیر و در عمل مؤید نقش اساسی دانشگاه در کارآمدسازی فعالیتهای اقتصادی است. همان‌طور که اشاره شد، آموزشهای تخصصی در دانشگاه با برگزاری دوره‌های مختلف به بهبود کسب‌وکار از طریق افزایش بهره‌وری در تولید و تجارت و کسب مهارت بیشتر مدیران صنعتی در اجرای قراردادهای کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه رابطه علی آموزش عالی و بهبود محیط کسب‌وکار هم از بعد نظری و هم از بعد تجربی برای کشورهای ایران، چین، اندونزی، مالزی، فیلیپین، هند، سنگاپور، تایلند و ویتنام طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۴ بررسی شد. یافته‌ها و نتایج تجربی نشان داد که بین آموزش عالی و بهبود محیط کسب‌وکار رابطه علی دوسویه برقرار است. لذا، سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و تقویت سرمایه انسانی به بهبود محیط کسب‌وکار منجر می‌شود. از سوی دیگر، بهبود محیط کسب‌وکار شرایط را برای تقویت سرمایه‌گذاری در آموزش عالی و ارتقای آموزش نیروی کار فراهم می‌آورد. همچنین یافته‌های تجربی این مطالعه (جدول ۶) حاکی از اثر مثبت نرخ ثبت نام دوره‌های آموزش عالی (سرمایه انسانی) بر میانگین شاخصهای کسب و کار کشورهای منتخب بود که با نتایج مطالعه مهنگار و پیکری فر (Mahnegar & Peykarifar, 2012) مطابقت دارد. بدین صورت که آموزش توانایی استفاده از فناوریهای نوین را افزایش می‌دهد و سبب افزایش بهره‌وری نیروی کار، تولید و فضای کسب و کار می‌شود. همچنین نتایج این مطالعه تأییدکننده نتایج تجربی مطالعه نورث (North, 1989, 2000) است، به‌طوری‌که بهره‌مندی از آموزشهای دانشگاهی روابط اجتماعی و توانایی گردآوری اطلاعات را افزایش می‌دهد که سبب کاهش هزینه مبادله و بهبود محیط کسب‌وکار می‌شود.

پیشنهادات

با توجه به نتایج پژوهش و اثر مثبت آموزش عالی بر کسب‌وکار پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. لازم است بر ارتباط صنعت و دانشگاه تمرکز شود و بنابراین، می‌توان بر آن دسته از طرحهای حمایتی برای صنایع تأکید داشت که لازمه اجرایی شدن آنها به‌کارگماری دانشگاهیان است؛

۲. الزام دانشگاهها به تأمین مالی بخشی از هزینه‌های خود از طریق صنایع می‌تواند مسیر ارتباط بین این دو نهاد را تسهیل کند و از مزایای این ارتباط کل اقتصاد بهره خواهد برد؛
۳. دانشگاه برای تأمین منابع مالی خود فقط به اجرای پروژه‌های کوچک و دارای اثرهای کوتاه‌مدت بسنده نکند، بلکه به اجرای طرحهای مطالعاتی و کاربردی در صنعت مشغول شود که مبتنی بر توسعه بلندمدت صنعتی باشد؛
۴. برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت آموزشی و پژوهشی در دانشگاه که به ارتقای بهره‌وری نیروی کار در صنعت کمک کند، می‌تواند گامی در جهت بهبود فضای کسب‌وکار باشد؛
۵. حضور دانشگاه در فعالیتهای صنعتی را باید از طریق اجزای محیط کسب و کار جست‌وجو کرد، به‌گونه‌ای که دانشگاه بتواند با تربیت نیروی انسانی ماهر زمینه‌ساز شرایط بهتری برای تجارت فرامرزی، تحول در نظام مالیاتی و کارآمدی در تنظیم قراردادهای و سایر زیرشاخصهای محیط کسب‌وکار باشد. همچنین حمایت دولت از طریق ایجاد قوانین و حذف امور بروکراتیک و حتی تأمین مالی پروژه‌های بین دانشگاه و صنعت می‌تواند سبب بهبود محیط کسب و کار شود.

References

1. Aghadavoud, S.R. (2010). Major challenges of Iran's higher education system. National Conference on Challenges of Management and Leadership in Iranian Organization, Islamic Azad University, Science and Research Branch (in Persian).
2. Ahmadpour Daryani, M., Davari, A., & Ramezanpoor Nargesi, G. (2010). Encouraging business environment, prerequisite of entrepreneurship development in Iran. *Management Studies in Development & Evolution*, 17(61), 65-89 (in Persian)
3. Ashrafi, Y., & Fahimifar, F. (2011). The evaluation of business indicators improvement with focused on Iran as case study. *Monthly Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 11, 7-42 (in Persian).
4. Azhdari, A. (2005). The survey of relationship between university and industry and government function in Iran. *Infrastructure Studies*, 7626, Retrieved from rc.majlis.ir/m/report/download/731147 (in Persian).
5. Bakhtiari, S., & Shayesteh, A. (2012). The effect of improving the business environment on economic growth in selected countries, with emphasis on Iran. *Quarterly Journal of Management System (Financial Economics and Development)*, 6(19), 175-204 (in Persian).

6. Barro, R. J., & Lee, J. (2010). A new data set on educational attainment world 1950-2010. NBER Working Paper No 15902, Retrieved from www.nber.org/papers/w15902.pdf.
7. Barro, R.J., & Lee, J. (2000). International data on educational attainment: Updates and implications. Center for International Development at Harvard University, Working Paper 42, Retrieved from www.cid.harvard.edu/cidwp/pdf/042.pdf.
8. Blundell, R., Dearden, L., Meghir, C., & Sianesi, B. (1999). Human capital investment: The returns from education and training to the individual, the firm and the economy. *Fiscal Studies*, 20(1), 1-23.
9. Chaharband, F., & Momeni, F. (2011). Challenges and perspectives in knowledge based development in Iran: Basic education approach. *Iranian Journal of Economic Growth and Development Research*, 1(4), 116-75 (in Persian).
10. Cheng, B. S., & Hsu, R. C. (1997). Human capital and economic growth in Japan: An application of time series analysis. *Applied Economics Letters*, 4, 393-395.
11. Furubotn, E.G., & Richter, R. (2000). *Institutions and economic theory: The contribution of the new institutional economics*. Ann Arbor, MI: The University of Michigan Press.
12. Gholipor, R., & Aghabozorgi, M. (2003). A review on the relationship between industry and university. The Brue of Cultural Studies, Higher Education Committee, 6677, Retrieved from c.majlis.ir/m/report/download/733223 (in Persian).
13. Harris, G.R., Robertson, P.E., & Xu, J.Y. (2010). The international effects of China's growth, trade and education booms. Discussion Paper, No. 10.04.
14. Heidari, H., Dabbag, R., & Sanginabadi, B. (2011). The effect of higher education on economic growth in Iran: An application of bounds test approach. *Quarterly Journal of Research and Planing in Higher Education*, 59, 115-136 (in Persian).
15. Hurlin, C. (2007). Testing granger causality in heterogeneous panel data models with fixed coefficients. Working Paper, LEO, University of Orleans.
16. In, F., & Doucouligos, C. (1997). Human capital formation and economic growth: A causality analysis. *Applied Economics Letters*, 4,

329-331.

17. Jafari, P., & Ahmadi, A. (2010). Investigating the role of higher education in knowledge economy in order to presenting a suitable model. *Journal of Foresight Management Research*, Islamic Azad University, Science and Research Branch, 87, 113-134, (in Persian).
18. Khorshidi, G. (2004). *Higher education economy*. Ministry of Science, Research and Technology, Cultural and Social Dept., Office of Social Planning and Cultural Studies. Retrieved from <http://fardiha.blogfa.com/post-80.aspx> (in Persian).
19. Kim, S., & Kim, Y. (2000). Growth gains from trade and education. *Journal of International Economics*, 1 (50), 519- 545.
20. Kim, Y. (2000), Concurrent development of education and industrialization strategies in Korea (1945-95). *Journal of Education and Work*, 13(1), 55-83.
21. Mahnegar, F., & Peykarifar, F. (2012). Investigating the role of universities in enterpronorship development. National Conference on Enterpronorship and Knowledge Based Bussiness' Management, University of Mazandaran (in Persian).
22. McDowell, C.W., & Voelker, A.T. (2008). Information, resources and transaction cost economics: The effects of informal network centrality on teams and team performance. *Journal of Behavioral and Applied Management*, 9(2), 134-147.
23. Mehrgan, N., Ezzati, M., & Asghar Pour, H. (2006). Investigating the causal relationship between interest rate and inflation by applying panel data. *Quarterly Journal of Economic Researche*, 3, 91- 105 (in Persian).
24. North, D. C. (1989). Institutions and economic growth: An historical introduction. *World Development*, 17(9), 1319-1332.
25. North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
26. North, D.C. (2000). Revolution in economics. In Menard, C. (ed.). *Institutions, contracts and organizations: Perspectives from new institutional economics*. Cheltenham: Edward Elgar.
27. Renani, M. (1997). *Market or not market*, Tehran: Samt Press, Secon Edition (in Persian).

28. Sharifzadeh, F. (2011). The necessity of reidentifying educational system and its role regarding country's social-scientific development: A research on university undergraduate public administration program. *Journal Management System*, 2(1), 79-112 (in Persian).
29. Smith, A. (1978). *The Wealth of Nations*. Translation by Ebrahimzadeh, S., Payam Publications (in Persian).
30. Tayebi, S.K., Zamani, Z., & Karimi, N. (2015). A scenario on business environment improvement and production growth of Iran's economic sectors in post-sanction era. 2th Conference on Business Environment Improvement, December 14, The Headquarters of The Islamic Summit, Tehran, Iran (in Persian).
31. Tayebi, S.K., Zamani, Z., Sarmadi, H., & Razavi, S.A. (2013). The role of transaction cost and business environment improvement on SMEs trade development in selected Asian countries. 19th National Conference on Non- Oil Export Development, Tabriz Chamber of Commerce, Industries, Mining and Agriculture, Tabriz, Iran (in Persian).